

## باز اندیشی در بیتی از مرزبان نامه

سعید واعظ

نویسندهٔ مرزبان نامه در اواخر باب اول، در داستان شگال خرسوار، اقامتگاه شگال را چنین توصیف می‌کند: «... متنزه‌ی از عیش با فرح شیرین‌تر و صحرا‌یی از قوس قزح رنگین‌تر چون دوحهٔ طوبی و حلهٔ حورا سبزوتر»<sup>۱</sup> آنگاه همچنانکه سبک نگارش کتابهایی از این دست است بیت زیر را در تأیید مطالب فوق می‌آورد:

تَأَزَّرَ فِيهِ النَّبْتُ حَتَّى تَحَايَلَتْ      رُبَاهُ وَ حَتَّى مَا تُرَى الشَّاءُ نَوْمًا<sup>۲</sup>

مرحوم علامه قزوینی رضوان الله تعالی علیه در توضیح این بیت به نقل از لسان العرب و تاج العروس در باورقی چنین می‌آورد: «وَجَدْتُ أَرْضًا مَتَحَيَّلَةً وَ مَتَحَايِلَةً إِذَا بَلَغَ نَبْتُهَا الْمَدَى وَ خَرَجَ زَهْرَاهَا.

قال الشاعر: تَأَزَّرَ فِيهِ النَّبْتُ حَتَّى تَحَايَلَتْ الْخُ (لسان العرب)، و في تاج العروس

۱- مرزبان نامه، تحریر سعدالدین وراوینی، تصحیح و تحشیه محمد بن عبد الوهاب قزوینی، طبع لیدن ص ۳۰.

۲- همان مأخذ.

تخائلیت<sup>۱</sup>

استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد مهدوی دامغانی - حفظه الله تعالی و متعنا بطول بقائه - در سلسله مقالاتی که در مجله یغما تحت عنوان «مأخذ ابیات مرزبان نامه» به چاپ رسانده در بیت ما نحن فیه نیز مثل سایر بیتها از آنجائی که نام سراینده شعر را پیدا نکرده به توضیح مختصر زیر بدون ترجمه کامل بیت بسنده نموده است: «این بیت را فقط در لسان العرب ماده (خ - ی - ل) بدون نسبت یافتیم و ظاهراً شرحی را هم که مرحوم علامه قزوینی (قده) در باورقی نقل فرموده عیناً از لسان منقول می باشد»<sup>۲</sup>.

استاد فرزانه جناب آقای دکتر خلیل خطیب رهبر - حفظه الله تعالی - در معنی این

بیت می نویسد:

«گیاه در آن جایگاه جامه سبز پوشید و بسیار رشد کرد تا بر بلندیها بر آمد و گوسفندان را در آنجا خفته نمی بینی (یعنی گوسفند از فراوانی علف از چرا باز نمی ایستد)»<sup>۳</sup>.

دوست ارجمند جناب آقای محمد روشن در چاپ دوم مرزبان نامه خود این بیت را چنین ترجمه کرده است: «گیاهان در آن [دشت] آزار پوشیده اند چنانکه آن تپه ها به خود می بالد و گوسفندان خفته اش را نمی بینیم»<sup>۴</sup>.

مفردات راغب نویسد: تأزر النبات أي طال و قوی<sup>۵</sup> ابن منظور صاحب لسان العرب ذیل ماده أزر نویسد: «قوی بعضه بعضاً فالتف و تلاحق و اشتد» و بیت ما نحن فیه را شاهد می آورد. و بالاخره در منتهی الأرب نویسد: دراز شد و قوی گردید گیاه. تخائلیت که فعل ماضی از باب تفاعل است یکی از معانی آن تبختر و کبر فروختن است. در این بیت فاعل آن «رُبا» است که مفرد آن «ربوة» و به معنی تپه است.

۱- همان مأخذ. ۲- مجله یغما سال هجدهم ص ۴۰۲.

۳- مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، چاپ دوم ۱۳۶۹ ص ۸۵.

۴- مرزبان نامه، تحریر سعد الدین وراوینی، با مقابله و تصحیح و تحشیه محمد روشن، چاپ دوم، نشر نو، تهران، ۱۳۶۷ ج ۲ صص ۸۱۱، ۸۱۲.

۵- المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی ماده أزر.

واو در اینجا زاید و برای تأکید آمده است همانند فرموده تبارک و تعالی: «و ما أهلكنا من قرية إلا ولها كتاب معلوم»<sup>۱</sup> و یا بیت زیر:

إذا ما سُتورُ البيتِ أرخينَ لم يكن سراجٌ لنا إلا و وجهك أنور<sup>۲</sup>  
 شاء مفرد آن شاة است به معنی گوسفند و گاو وحشی و... اصل این کلمه شاهة بود چون مصغر آن به صورت شویهة و جمع آن به صورت شیاه می آید و هاء جهت تخفیف از آن حذف شده است. شاهة در اصل شوهة بود که واو به الف تبدیل و شاهة شده است. این کلمه در جمع از سه تا ده معمولاً به صورت شیاه و اگر از ده تجاوز کند به صورت شاة بیان می شود مانند احدی عشرة شاة. اما اگر به کثرت دلالت کند به صورت شاء به کار می رود مانند: هذه شاء كثيرة<sup>۳</sup>.

ثوم جمع نائم است اسم فاعل از ریشه «نام» که یکی از معانی آن خوابیدن و معنی دیگر آن دراز کشیدن است. در حدیثی از عمران بن حصین می خوانیم: «صَلَّ قائماً، فإن لم تستطع فقاعداً، فإن لم تستطع فنائماً، أراد به الاضطجاع، و يدلُّ عليه الحديث الآخر: فإن لم تستطع فعلى جنب»<sup>۴</sup> یعنی سر یا نماز بگزار، اگر نتوانستی نشسته، و اگر بر آن قادر نبودی دراز کشیده یا به پهلو.

از معانی دیگر «نام» مردن است وقتی گوسفندی یا هر حیوانی بمیرد گویند: «نامت الشاة و غيرها من الحيوان إذا ماتت»<sup>۵</sup> امیر المؤمنین علی علیه السلام وقتی مردم را به جنگ با خوارج بر می انگیزت گوید: «إذا رأيتموهم فأينمهم أي اقتلوهم»<sup>۶</sup>، یا در حدیث غزوة الفتح می خوانیم: «فما أشرف لهم يومئذ أحدٌ إلا أناموه أي قتلوه»<sup>۷</sup>.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد معنی بیت چنین خواهد بود:

۱-سوره حجر آیه ۴.

۲-الاعراب الكامل للأدوات النحوية، عبدالقادر احمد عبدالقادر، دارقريبه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸ م ص ۴۳۸.

۳-لسان العرب و منتهى الأرب ماده شوه.

۴-النهاية في غريب الحديث والأثر، ابن الأثير، تحقيق طاهر احمد الزاوي، محمود محمد الطناحي، مؤسسة الأمين.

۵-لسان العرب ماده «نام».

۷-همان مأخذ.

۶-همان مأخذ.

«گیاه در آن جایگاه آن اندازه رشد کرد و بلند شد که بلندیهای آنجا بر دیگر بلندیها می‌بالیدند و از بلندی گیاهها، گوسفندان در حالت خوابیده و افتاده دیده نمی‌شدند».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و ماخذ

- ١- الاعراب الكامل للأدوات النحوية، جمع و ترتيب و تنسيق و تبويب عبدالقادر احمد عبدالقادر، دارقتيبه، الطبعة الاولى، ١٤٠٨ هـ ١٩٨٨ م.
- ٢- تاج العروس، من جواهر القاموس، تحقيق الدكتور عبدالفتاح الحلو، ١٤٠٦ هـ، ١٩٨٦ م
- ٣- لسان العرب، ابن منظور، دارصادر، داربيروت، ١٣٨٨ هـ ١٩٦٨ م.
- ٤- مجله يگما سال هيچدهم.
- ٥- مرزبان نامه، به كوشش خليل خطيب رهبر، انتشارات صفى عليشاه، چاپ دوّم، ١٣٦٩، تهران.
- ٦- مرزبان نامه، تحرير سعدالدين وراوينى، تصحيح و تحشيه محمدبن عبدالوهاب قزوينى، طبع ليدن.
- ٧- مرزبان نامه، تحرير سعدالدين وراوينى، با مقابله و تصحيح و تحشيه محمد روشن، چاپ دوّم، نشر نو، ١٣٦٧.
- ٨- المفردات في غريب القرآن، الراغب الاصفهاني، دارالمعرفة، بيروت، لبنان، تحقيق محمد سيد كيلاني.
- ٩- منتهى الأرب في لالغة العرب، عبدالرحيم بن عبدالكريم صفى پور، چاپ اسلاميه افسست، تهران، جمادى الثاني ١٣٧٧ هـ.
- ١٠- النهاية في غريب الحديث و الأثر، ابن الاثير، تحقيق طاهر احمد الزاوى، محمود محمد الطناحى، مؤسسة الأمين.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی